

Western Media Strategies in Cognitive Warfare against Mahdism and Counteractive Approaches

Dr. Khodamorad Salimian ¹

Abstract

In the era of new media dominance and cognitive warfare, the doctrine of Mahdism—as one of the most profound theological legacies of Imami Shi‘ism and a symbol of global justice and resistance against hegemonic domination—has become a focal point of Western strategic confrontation. This study adopts an analytical-critical approach to conduct an in-depth examination of Western media strategies employed in cognitive warfare against Mahdism, while also proposing effective counteractive measures. The research methodology is based on content analysis of Islamic texts, a review of relevant scholarly literature, and a critical investigation of contemporary media strategies. The findings reveal that Western media, through tools such as social media platforms, cinematic productions, and fabricated analytical narratives, engage in systematic engineering of Muslim public perception in order to demote the belief in Mahdism from a civilization-building and inspirational doctrine to a mythical, illusory, and threatening construct. In response to this cognitive assault, the proposed strategies include strengthening doctrinal foundations through education rooted in authoritative sources, enhancing media literacy to identify distortions and manipulations, establishing independent Islamic media institutions, expanding interdisciplinary research in theological and media studies, and formulating cognitive defense mechanisms. By addressing a significant research gap at the intersection of cognitive warfare and Mahdism, this study offers a practical and innovative framework for cultural policy-making and strategic resistance.

Keywords: Cognitive warfare, Western media strategies, Shi‘i Mahdism, epistemic distortion, media literacy, cultural resistance

1. Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran(kh.salimian@isca.ac.ir)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر و موعود
سال هجدهم - شماره چهل و دوم
پائیز و زمستان ۱۴۰۴

راهبرد رسانه‌ای غرب در جنگ شناختی با مهدویت و راهکارهای مقابله با آن*

خدا مراد سلیمیان^۱

چکیده

در عصر حاکمیت رسانه‌های نوین و عرصه نبردهای شناختی، آموزه مهدویت - به مثابه یکی از ژرف‌ترین میراث‌های کلامی امامیه، که نماد عدالت جهانی و ایستادگی در برابر هژمونی سلطه‌جویان است - به کانون تقابل راهبردی غرب تبدیل شده است. این پژوهش، با رویکردی تحلیلی - انتقادی، به کاوشی عمیق در استراتژی‌های رسانه‌ای غرب در جنگ شناختی علیه مهدویت می‌پردازد و راهکارهای مقاومتی کارآمد را پیشنهاد می‌دهد. روش‌شناسی تحقیق بر پایه تحلیل محتوای متون اسلامی، بررسی پیشینه پژوهشی و واکاوی دقیق راهبردهای رسانه‌ای بنا نهاده شده است. یافته‌ها آشکار می‌سازد که غرب، با بهره‌گیری از ابزارهایی همچون شبکه‌های اجتماعی، آثار سینمایی و تحلیل‌های ساختگی، به مهندسی نظام‌مند ادراک عمومی مسلمانان می‌پردازد تا باور مهدویت را از جایگاه تمدن‌آفرین و الهام‌بخش به تصویری اساطیری، خیالی و تهدیدزا تنزل دهد. در برابر این یورش، راهکارهای پیشنهادی شامل تقویت پایه‌های اعتقادی از رهگذر آموزش‌های ریشه‌دار در منابع معتبر، ارتقای سواد رسانه‌ای برای تشخیص تحریفات، بنیان‌گذاری رسانه‌های مستقل اسلامی، گسترش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در قلمروهای کلامی و رسانه‌ای، و تدوین سازوکارهای دفاعی شناختی است. این مطالعه، با پرکردن خلأ پژوهشی در پیوند جنگ شناختی و مهدویت، چارچوبی عملی و نوآورانه برای سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه می‌نماید.

واژگان کلیدی

جنگ شناختی، راهبردهای رسانه‌ای غرب، مهدویت شیعی، تحریف معرفتی، سواد رسانه‌ای، مقاومت فرهنگی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

درک چگونگی شکل‌گیری ادراک عمومی و مدیریت آگاهانه آن، یکی از مأموریت‌های بنیادین رسانه‌ها در راستای تحقق اهداف راهبردی و جهت‌دهی به انگاره‌های جمعی به شمار می‌رود. این امر، به‌ویژه در جوامعی که باورهای دینی و ارزش‌های الهی در بنیان فرهنگ عمومی آنان ریشه دوانده و روزانه در معرض هجمه‌های نظام‌مند رسانه‌ای قدرت‌های سلطه‌گر قرار می‌گیرند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در چنین بستری، شناخت سازوکارهای ادراکی مخاطبان و بهره‌گیری هوشمندانه از آن در فرآیند معناسازی، نه تنها ابزاری برای اقناع افکار عمومی، بلکه ضرورتی برای صیانت از هویت دینی و فرهنگی جامعه تلقی می‌شود. (کلینی: ۱۴۰۷ق. ج ۱، ص. ۲۷)

مهدویت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین و والاترین آموزه‌های اعتقادی و کلامی اسلام، به‌ویژه در منظومه معرفتی شیعه امامیه، جایگاهی محوری در تبیین غایت تاریخ و معنابخشی به حیات انسانی ایفا می‌کند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص. ۱۷۷) این آموزه ریشه‌دار، که از سرچشمه وحی و متون اصیل اسلامی نشأت گرفته، تجلی آرمان‌نهایی بشریت در تحقق عدالت فراگیر، استقرار حق، و گسترش معنویت الهی در جهان است. (کلینی: ۱۴۰۷ق. ج ۱، ص. ۳۳۸) باور به مهدویت نه فقط نیرویی زاینده برای پایداری در برابر ستم و انحراف بوده، بلکه در طول تاریخ، جهت‌دهنده جریان‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان و به‌ویژه عاملی هویت‌ساز در حفظ و استمرار پویایی مکتب تشیع به شمار آمده است.

در سلسله‌مراتب آموزه‌های والای الهی، هیچ مفهومی بسان مهدویت، تقابلی بنیادین و ریشه‌دار با جوهره استکبار، سلطه‌جویی و ستمگری برقرار نساخته است؛ زیرا در منظومه فکری مهدوی، ریشه‌کنی ظلم و انهدام سلطه‌گران، به عنوان هدفی برجسته، قطعی و غیرقابل انکار، جایگاه محوری دارد. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۹۴) بر این اساس استوار، سلطه‌طلبان و قدرت‌های ستم‌پیشه، مهدویت و دکترین انتظار را رقیبی سرسخت و تهدیدی جدی برای خود می‌دانند و با آن دشمنی آشکار می‌ورزند. (سلیمیان، ۱۳۸۶، ج ۳، ص. ۸۱) چراکه به درستی دریافته‌اند این عقیده ریشه‌دار و سترگ، سدی نفوذناپذیر در برابر تحقق نیات استکباری و گسترش سلطه آنان بر عرصه روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. از این رو، جریان‌های متخاصم پیوسته

کوشیده‌اند تا با ایجاد فاصله، تحریف نظام‌مند و تخریب هدفمند مفاهیم بنیادین مهدویت، این باور زنده، پویا و حیات‌بخش را از متن حیات مسلمانان دور سازند یا حقیقت اصیل آن را به انحراف کشانند.

در پرتو تحولات معاصر، با ظهور فرقه‌ها و نحله‌هایی که به شیوه‌های متنوع و گوناگون از مفهوم مهدویت به عنوان ابزاری برای دستیابی به اغراض خویش بهره می‌جویند، (ربیع نتاج، ۱۴۰۲ق، ص. ۹۸) از یک سو، و گسترش انفجاری اطلاعات به واسطه فراهم آمدن ابزارهای رسانه‌ای نوین، از سوی دیگر، این آموزه سترگ بار دیگر در کانون توجه و طمع جریان‌های غربی قرار گرفته است.

در عصر کنونی، همراه با گسترش رسانه‌های نوین و ابزارهای ارتباطی پیشرفته، شکل‌گیری نظام‌های سلطه مدرن و جریان‌سازی‌های ایدئولوژیک، دکترین مهدویت بیش از هر دوران دیگری به محور تقابل استراتژیک و میدان جنگ شناختی نظام سلطه جهانی تبدیل شده است. غرب، با اتکاء به ابزارهای رسانه‌ای پیشرو، راه‌اندازی جنگ روایت‌ها و تولید و ترویج نظام‌مند شبهات، درصدد است تا بنیان‌های معرفتی، جایگاه اجتماعی و نقش تمدن‌ساز مهدویت را تضعیف نماید و با ارائه گفتمان‌های انحرافی و کژتاب، بحران هویت و تزلزل بنیادین فکری را در جوامع اسلامی پدید آورد.

این پژوهش با رویکردی تحلیلی و انتقادی به واکاوی مفهوم و پیشینه جنگ شناختی و تبیین پیوند عمیق آن با جنگ رسانه‌ای در چارچوب رویارویی راهبردی غرب با مهدویت شیعی می‌پردازد. در منطق جنگ رسانه‌ای معاصر، ساختار ادراک و باور دینی جوامع اسلامی - و به‌ویژه اندیشه موعودگرایی شیعی - هدف مستقیم عملیات روانی و گفتمان‌سازی رسانه‌های غربی قرار گرفته است؛ امری که در قالب بازنمایی‌های تحریف‌شده، تضعیف باور به منجی الهی و القای قرائت‌های سکولار از انتظار، پیگیری می‌شود.

همچنین این مطالعه می‌کوشد تا سازوکارهای شناختی و روانی چنین نبردی را شناسایی کرده و نشان دهد چگونه غرب با بهره‌گیری از شبکه‌های رسانه‌ای، تولید محتوای هدایت‌شده و جریان‌سازی در فضای مجازی، به مهندسی افکار عمومی جهان اسلام می‌پردازد. از اهداف محوری این پژوهش، تبیین شیوه‌های فریب و نفوذ معرفتی در رسانه‌های نوین و ارائه راهبردهایی برای ارتقای سواد رسانه‌ای، تقویت بصیرت مهدوی و توانمندسازی جامعه در خنثی‌سازی عملیات رسانه‌ای دشمن است.

یافته‌های تحقیق تأکید دارد که مقابله مؤثر با جنگ رسانه‌ای غرب علیه مهدویت، مستلزم طراحی دکترین بومی امنیت فرهنگی، نوسازی گفتمان انتظار و بازتولید قدرت نرم دینی بر مبنای معرفت مهدوی است؛ تا بدین وسیله بتوان سپر معرفتی و مصونیت ادراکی جامعه اسلامی را در برابر امواج رسانه‌ای دشمن مستحکم ساخت.

از این رو، پرسش محوری پژوهش حاضر بدین قرار است: راهبردها و ابزارهای بنیادین رسانه‌ای غرب در جنگ شناختی علیه مهدویت کدام‌اند و چه تمهیداتی قادر است ظرفیت‌های مقاومتی و ایمن‌سازی را در برابر این تهاجمات تقویت نماید؟

با این حال، التفات غرب به آموزه مهدویت، همواره با نگرش‌های مغرضانه و تفسیرهای نادرست همراه بوده است. (ر.ک: احمدی کجایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۷) به گونه‌ای که ابزارهای جنگ شناختی رسانه‌ای را برای تحریف مفاهیم، تخریب جایگاه و بهره‌برداری ابزاری از این عقیده، در خدمت اغراض سیاسی، فرهنگی و امنیتی خویش به کار بسته است.

مطالعه حاضر، با رویکردی انتقادی و تحلیلی، ضمن کاوش در ابعاد و روش‌های رسانه‌ای و عملیات روانی جریان سلطه، درصدد است تا تصویری شفاف، علمی و جامع از گستره این جنگ نرم و راهکارهای اعتلای گفتمان مهدوی در هندسه نوین جهانی ارائه نماید.

پیشینه تحقیق

با توجه به نوظهور بودن حوزه جنگ شناختی به عنوان یک عرصه مطالعاتی نوین در علوم سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه هنوز محدود و پراکنده است. در سطح جهانی، این مفهوم عمدتاً در چارچوب مطالعات قدرت نرم، روان‌شناسی اجتماعی و فناوری‌های نوین اطلاعات بررسی شده، اما در ایران، تحقیقات اخیر عمدتاً بر پیوند جنگ شناختی با مفاهیم بومی و به‌ویژه دینی همچون جهاد تبیین یا دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (نیکونهاد، ۱۴۰۳، ص. ۱۱) و امور دینی تمرکز داشته‌اند. این پژوهش‌ها بیشتر به تحلیل تهدیدات شناختی در بستر رسانه‌های نوین و راهکارهای فرهنگی. دفاعی پرداخته‌اند، بدون آن‌که به طور عمیق به تقابل باورهای بنیادین دینی مانند مهدویت ورود کنند.

از جمله مطالعات برجسته در این حوزه، اقدامی تطفی و رضایی کلده (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تدوین راهبردهای مقابله با جنگ شناختی مردم‌محور» که در فصل‌نامه راهبرد دفاعی منتشر شده، با احصای ۲۴ عامل محیط داخلی و ۲۲ عامل محیط خارجی، نه راهبرد منتخب را با بهره‌گیری از روش SWOT تدوین کرده و سپس با استفاده از تکنیک QSPM آنها را اولویت‌بندی نموده‌اند. این پژوهش بر رویکرد مردم‌محور در مقابله با تهدیدات شناختی تأکید دارد و چارچوبی عملی برای سیاست‌گذاری ارائه می‌دهد.

در مطالعه دیگری، شاملو و رضا زاده (۱۴۰۳) در مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی کارکردهای سیاسی فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) در جنگ شناختی»، که آن نیز در فصل‌نامه راهبرد دفاعی به چاپ رسیده، با روشی آمیخته و کاربردی، به شناسایی و رتبه‌بندی کارکردهای سیاسی شبکه‌های اجتماعی در حوزه جنگ شناختی پرداخته‌اند. این تحقیق بر نقش فضای مجازی به عنوان ابزاری برای دستکاری ادراک عمومی تمرکز کرده و جنبه‌های کاربردی آن را در زمینه امنیتی برجسته می‌سازد.

همچنین، علی‌پور و پوررشیدی (۱۴۰۴) در مقاله «جنگ شناختی؛ عرصه جدید در ارتباطات سیاسی»، منتشرشده در فصل‌نامه علوم خبری، جنگ شناختی را به عنوان مصداقی از قدرت نرم در ارتباطات سیاسی واکاوی کرده‌اند. این پژوهش با روش کیفی و تحلیل ثانویه، به بررسی نقش علوم شناختی، رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی در دستکاری اذهان پرداخته و عرصه‌های جدید تقابل ایدئولوژیک را تبیین می‌نماید. به طور کلی، پیشینه موجود نشان‌دهنده خلأ مطالعاتی در بررسی تقابل جنگ شناختی با آموزه‌های دینی همچون مهدویت است، که پژوهش حاضر درصدد پر کردن آن برمی‌آید.

چارچوب مفهومی

راهبرد رسانه‌ای

راهبرد: در مفهوم جدید علم و هنری است که برای حمایت از سیاست ملی علاوه بر قدرت نظامی سایر عوامل قدرت ملی در ابعاد سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را متناسب با شرایط ژئوپلیتیک کشور برای نیل به اهداف ملی با استفاده از روش‌های

علمی و منطقی با هم تلفیق هماهنگ و به کار می‌گیرد (تهامی، ۱۳۷۶: ص. ۱۵۲) و راهبرد رسانه‌ای را می‌توان نظامی دقیق، هدف‌مند و چندبعدی از کنش‌های ارتباطی دانست که بر پایه دانش ارتباطات، تحلیل علمی افکار عمومی و سازوکارهای اقناع روان‌شناختی، جریان اطلاع‌رسانی و معناسازی را به سوی اهداف راهبردی هدایت می‌کند. در این چارچوب، رسانه نه فقط ابزاری برای انتقال داده‌ها، بلکه نهادی پویا در تولید گفتمان، شکل‌دهی نگرش‌ها و مهندسی ادراک جمعی تلقی می‌گردد.

محور بنیادین این راهبرد، مدیریت آگاهانه روایت‌ها و چارچوب‌های معنایی است؛ به گونه‌ای که از طریق تنظیم دقیق پیام، گزینش واژگان، برجسته‌سازی موضوعات کلیدی و حاشیه‌نشانی یا حذف محتوای مورد نظر، افکار عمومی را در راستای جهت‌گیری‌های خود سامان می‌دهد. رسانه در این سطح، همچون سامانه‌ای هوشمند عمل می‌کند که قابلیت درک، بازتولید و گسترش معنا در قلمروهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را داراست.

در عصر شبکه‌ای کنونی، که رقابت روایت‌ها و حجم انبوه داده‌ها، ساختار ارتباطات جهانی را دگرگون ساخته، راهبرد رسانه‌ای از مدیریت صرف اطلاع‌رسانی به مهندسی ادراک و ساخت واقعیت اجتماعی ارتقا یافته است. در این بستر، کارآمدی هر نظام ارتباطی به چابکی عملیاتی، انسجام پیامی، تنوع ابزارهای میان‌رسانه‌ای و همخوانی محتوا با بافت فرهنگی. شناختی مخاطبان وابسته است.

از منظری کلان، اثربخشی راهبرد رسانه‌ای بر پایه هم‌افزایی سه مؤلفه اصلی استوار است: نخست، ظرفیت شناختی در تحلیل محیطی و رفتار مخاطب؛ دوم، توان سازمانی در طراحی و توزیع پیام‌های یکپارچه میان‌رسانه‌ای؛ و سوم، اقتدار در حفظ اعتماد عمومی و اصالت داده‌ها.

جنگ شناختی. جنگ‌های سایبری، ترکیبی، نرم، شناختی و معرفتی، هر یک جلوه‌ای از جنگ‌های نوین‌اند که در بستر تحولات اطلاعاتی عصر حاضر شکل گرفته‌اند. می‌توان همه این اشکال را در ذیل عنوان جامع «جنگ اطلاعاتی» طبقه‌بندی کرد، زیرا بنیاد شکل‌گیری آن‌ها بر محور اطلاعات و مدیریت هوشمند داده‌ها استوار است.

مقام معظم رهبری در سوم بهمن ۱۳۹۷، در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه

علوم شناختی در باب کارکردهای فن‌آوری‌های حوزه شناختی و توجه به این امر فرمودند:

این سیستمی که می‌تواند یعنی به خودش حق می‌دهد که سرزمین یک کشوری را تصرف کند آیا به خودش حق نمی‌دهد که بر روی ذهن آن‌ها اثر بگذارد؟ شما گفتید که این فناوری می‌تواند اضطراب و ترس را برطرف کند؛ [اما] می‌تواند اضطراب و ترس را هم ایجاد کند؛ می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها هم اثر بگذارد؛ اگر بتواند نمی‌کند این کار را؟ قطعاً می‌کند. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷)

در این گونه از نبردها، کانون اصلی تهاجم دشمن ذهن، اندیشه و باور شهروندان کشور هدف است. از این رو، راهبرد دشمن بر بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی متمرکز می‌شود تا با نفوذ در نظام ادراکی جامعه، جهت‌گیری فکری و رفتاری مردم را تحت تأثیر قرار دهد.

رهبر معظم انقلاب همچنین در این باره تأکید می‌کند که:

امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. می‌دانید؛ جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال اینها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان شاء الله تأمین کند. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱)

در این چارچوب، استفاده سازمان‌یافته از نیروهای متخصص در عرصه رسانه، از جمله روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و تولیدکنندگان حرفه‌ای محتوای اینترنتی، به ابزاری کارآمد برای تحقق اهداف راهبردی قدرت‌های متخاصم بدل شده است. بدین ترتیب، جنگ اطلاعاتی را می‌توان عرصه‌ای هوشمندانه از رویارویی دانست که در آن، تسخیر ذهن و القای معنا جایگزین تسلط نظامی و فیزیکی می‌شود. (رحیمی، ۱۴۰۳، ص. ۶۷)

ویژگی اصلی جنگ شناختی در توانایی آن برای بازتعریف و مهندسی دوباره واقعیت ادراک شده نهفته است؛ بدین معنا که از رهگذر دست‌کاری روایت‌ها، گزینش رسانه‌ای، چارچوب‌بندی معنا و حتی جعل و تحریف محتوا. (ر.ک: محمدی منفرد، ۱۴۰۳، ص. ۱۳۴)

ساختار ذهنی مخاطب نسبت به واقعیت دگرگون می‌شود.

در زیست جهان شبکه‌ای عصر حاضر، با گسترش بی‌سابقه شبکه‌های اجتماعی،

سکوه‌های خبری و سازوکارهای انتشار آنی اطلاعات، میدان نفوذ بر افکار عمومی گسترش چشمگیری یافته است و عملیات شناختی با گستره‌ای جهانی و سرعتی فزاینده به اجرا درمی‌آید. (ر.ک: پورسعید، ۱۴۰۱، ص. ۹۸)

پیچیدگی ماهوی این پدیده از آن رو است که تمامی برون‌دادهای رفتاری جمعی - از اعتماد و انسجام اجتماعی گرفته تا گرایش‌های سیاسی و الگوهای فرهنگی و مصرفی - ممکن است همزمان در جایگاه هدف و ابزار جنگ شناختی قرار گیرند.

بنابراین، مواجهه مؤثر با چنین چالشی مستلزم رویکردی چندبُعدی است؛ از جمله ارتقای سواد رسانه‌ای، تقویت نهادهای اعتمادساز، شفاف‌سازی جریان اطلاعات و طراحی پاسخ‌های روان اجتماعی مبتنی بر داده‌های تجربی و شواهد معتبر.

مهدویت: یک مفهوم ژرف دینی در اسلام، به ویژه در میان شیعیان امامی، است که به اعتقاد به ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در پایان زمان، اشاره دارد. این باور ریشه در آموزه‌های دینی و متون اسلامی دارد و محورهای اعتقادی و اجتماعی برجسته‌ای را در جوامع مسلمان شکل داده است.

بحث‌های مهدویت در متون اسلامی دارای سطوح گوناگونی است. در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان شیعه، اشاره‌های گوناگونی به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور او شده است. آنچه در این متون برجسته است، این است که قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک حقیقت کلیدی در آینده بشریت مورد تأکید قرار گرفته و همراه با نشانه‌ها و علائم خاصی است که باید پیش از آن به وقوع بپیوندد.

این باور نه فقط یک بُعد مذهبی و شخصی دارد، بلکه تأثیر ژرفی بر رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی پیروان خود نیز دارد. به عنوان مثال، در دوره‌های تاریخی گوناگون، باور به مهدویت و قیام منجی به بسیج جامعه و ایجاد حرکات اجتماعی علیه ظلم و ستم کمک کرده است. که نمونه روشن آن انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه در دوران معاصر است.

افزون بر آن، ارتباط بین مهدویت و تلاش برای تقویت وحدت مسلمانان نیز موضوعی چالش برانگیز و برجسته بوده است. در حالی که برخی از گروه‌ها ممکن است نسبت به مهدویت تعابیر ناهمگونی داشته باشند، بسیاری از مسلمانان می‌کوشند تا بر وحدت میان خود و بهبود جامعه تأکید کنند، به طوری که قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان یک

نقطه عطف مشترک بین همه مسلمانان در نظر بگیرند.

به سخن دیگر، مهدویت به عنوان یک آرمان و امید در دل مؤمنان باقی می ماند، به طوری که آن ها با پرچم انتظار و آمادگی برای قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سعی در متفاوت ساختن دنیای خود بر پایه اصول اسلامی و انسانی دارند. این انتظار در زندگی روزمره آن ها قابل مشاهده است، جایی که مؤمنان تلاش در تحقق عدالت، محبت و احترام نسبت به یکدیگر دارند و در پی فراهم ساختن دنیایی سرشار از عدل و قسط برای همگان هستند.

غرب: نخستین معنا و مفهومی که از واژه غرب به ذهن متبادر می شود و نسبتاً هم رایج است، غرب جغرافیایی است. البته اطلاق غرب، به غرب جغرافیایی چندان هم بی وجه نیست، چراکه غرب، فارغ از هر معنایی هم که لحاظ شود، دارای خاستگاه جغرافیایی در مغرب زمین است. رویکردهای فلسفی، تکنیکی، تمدنی و اندیشه ای به غرب، همه دارای خاستگاه جغرافیایی در مغرب زمین هستند؛ به عبارت دیگر، به لحاظ تاریخی، چیزی که امروزه آن را غرب می نامیم، مؤلفه ها و عناصر اولیه آن در بستر جغرافیایی مغرب زمین شکل گرفته است و همین امر باعث شد تا مؤلفه ها و عناصر مؤخره آن نیز در ارتکاز برخی افراد به مغرب زمین منتسب شوند. (رهدار، ۱۳۹۰، ص. ۳۴)

غرب جغرافیایی شامل همه اروپا و ایالات متحده آمریکا است. اگرچه در این منطقه از جهان، کشورهای فراوانی با تفاوت های چشمگیری در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وجود دارند، اما نمی توان آن را به لحاظ معرفتی و هویتی از هم تفکیک کرد. در نگاه دقیق نمی تواند بدون موطن جغرافیایی باشد، اما مفهومی فراخ تر از غرب به مثابه یک جغرافیاست، اگرچه ماهیت این واژه (غرب)، نسبت استواری با غرب جغرافیایی پیدا کرده است. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳، ص. ۱۹)

بنابراین غرب، فراتر از صرفاً یک محدوده جغرافیایی است؛ جغرافیای جهان مغرب بسیار محدودتر از آن است که بتواند جامعه مفاهیم و ارزش هایی را که امروز تحت عنوان «غرب» شناخته می شوند، دربرگیرد.

راهبرد: به معنای «برنامه ریزی هدفمند» است که به سازمان ها، کشورها یا گروه ها کمک می کند تا در مسیر دستیابی به اهداف و تأمین منابع، به طور مؤثر و کارآمد عمل کنند. این واژه معمولاً به حرکات و تدابیری اشاره دارد که برای پاسخ به چالش ها و فرصت ها

طراحی می‌شود و شامل ارزیابی وضعیت کنونی، شناسایی اهداف و تدوین برنامه‌های لازم برای تحقق آنهاست.

بنیان‌های جنگ شناختی در رسانه

جنگ شناختی در رسانه، بر شبکه‌ای از بنیان‌های پیچیده، پویا و درهم‌تنیده استوار است که بسته به نوع هدف، مخاطب و بستر ارتباطی، در شکل‌ها و شدت‌های گوناگونی بروز می‌یابند. با وجود این ناهمگونی، می‌توان مجموعه‌ای از اصول بنیادین را به‌عنوان محورهای راهبردی این فرایند شناخت محور برشمرد:

هدف‌گذاری دقیق؛ نقطه آغاز هر عملیات شناختی، شناسایی ژرف و نظام‌مند مخاطب است. ویژگی‌های فردی و جمعی همچون سن، جنسیت، گرایش‌های فکری، ارزش‌ها و حساسیت‌های فرهنگی، مبنای تنظیم ساختار پیام قرار می‌گیرد تا بیشترین انطباق میان مقصود فرستنده و دریافت ذهنی مخاطب حاصل شود.

طراحی پیام مؤثر؛ در مرحله ساخت پیام، هدف آن است که پیام در سطوح عاطفی و شناختی با باورها و ذهنیت مخاطب درگیر گردد. انتخاب واژگان، تصاویر، نمادها و حتی لحن بیان بر پایه الگوهای روان‌شناختی اقناع انجام می‌گیرد تا گیرنده به‌صورت تدریجی در مسیر داوری و تصمیم مطلوب هدایت شود.

گسترش و انتشار هدفمند؛ موفقیت جنگ شناختی ناگزیر از بهره‌گیری از طیفی گسترده از رسانه‌هاست؛ از بسترهای سنتی چون مطبوعات و رادیو گرفته تا محیط‌های تعاملی مدرن مانند شبکه‌های اجتماعی و سکوهای مجازی. هدف، تأمین پوشش وسیع همراه با کنترل دقیق بر مسیر و زمان‌بندی انتشار پیام است.

مدیریت داده و کنترل جریان اطلاعات؛ یکی از ارکان محوری این جنگ، سامان‌دهی آگاهانه جریان اطلاعات است؛ به‌گونه‌ای که از دسترسی مخاطب به داده‌های ناهمسو یا مخالف جلوگیری شود. این امر می‌تواند از طریق محدودیت، جهت‌دهی روایت‌ها، پنهان‌سازی یا ارائه‌گزینی اطلاعات تحقق یابد.

ایجاد تردید و بی‌اعتمادی؛ در مرحله‌ای دیگر، هدف آن است که قطعیت ادراک مخاطب نسبت به درستی منابع و اطلاعات دچار سستی شود. ترویج تردید نسبت به اعتبار خبرها و نهادهای مرجع، زمینه‌ساز بی‌ثباتی ادراکی و گسترش سردرگمی شناختی می‌شود. (ر.ک: پورسعید، ۱۴۰۱، ص. ۹۵)

برانگیختن نارضایتی اجتماعی؛ با تحریک احساسات و برجسته سازی کاستی ها، سعی می شود مخاطبان نسبت به وضعیت موجود احساس نارضایتی کنند تا پذیرش دیدگاه یا راه حل مطلوب طراحان جنگ شناختی به شکل ناخودآگاه تسهیل گردد.

نفوذ در شبکه های اجتماعی؛ شبکه های اجتماعی به منزله میدان اصلی تعاملات شناختی، بستر کارآمدی برای شکل دهی موج های خبری، القای گفتمان و سازمان دهی رفتار جمعی به شمار می روند. در این بستر، هوشمندی در بهره گیری از الگوریتم ها و گروه های تأثیرگذار نقشی تعیین کننده دارد.

یکی از نمودهای فعال در شبکه های اجتماعی و ایجاد شبکه بین مخاطبان بازی های رایانه ای است. می توان گفت بازی های رایانه ای به واسطه دسترسی آسان و جاذبه های بی نظیر خود، به یکی از محبوب ترین رسانه ها نزد نسل جوان بدل شده اند و به طور جدی در رقابت رسانه ای با صنعت پر قدرت هالیوود قرار گرفته اند؛ رقابتی که از نظر تأثیرگذاری فرهنگی و جذب مخاطب در عرصه جنگ نرم اهمیت بی بدیلی دارد.

بهره گیری از فناوری های نوین؛ در نهایت، بهره برداری از فناوری های پیشرفته همچون هوش مصنوعی، تحلیل کلان داده ها و شبیه سازی رفتاری، قدرت شناختی بازیگران رسانه ای را چندین برابر می سازد. این فناوری ها امکان تولید خودکار محتوا، تحلیل احساسات و پیش بینی واکنش های جمعی را فراهم می کنند و بدین سان، مرز میان عملیات شناختی و فناوری اطلاعات را به کلی در هم می شکنند.

در این استراتژی که از اولویت های بنیادین غرب در مواجهه با گروه های هدف به شمار می آید، واحدهای روانی سازمان یافته آمریکا و متحدانش در جهان معاصر، شامل گستره ای وسیع از رسانه های دیداری و شنیداری، ماهواره ها، آژانس های تبلیغاتی و مؤسسات تحقیقاتی و تبلیغاتی هستند. ایالات متحده با سرمایه گذاری چشمگیر در فناوری اطلاعات و تسلط بر شاه راه های ارتباطی و اطلاعاتی، از طریق خبرگزاری های برجسته ای چون آسوشیتد پرس و یونایتد پرس، صنعت پررونق فیلم سازی هالیوود، و شرکت های بزرگ تبلیغاتی، جریان اطلاعات را در قبضه خود دارد و قادر شده است عملیات روانی مؤثری علیه آموزه مهدویت به اجرا گذارد.

این ابزارهای پیچیده رسانه ای، علاوه بر ایجاد فشار روانی، به تحلیل گران غربی امکان می دهد تا به شیوه ای هدفمند، از طریق بازسازی روایت ها و تاریخ نگاری های

تحریف شده، سلطه فرهنگی و سیاسی خویش را پیش ببرد. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۷)

در مجموع، بنیان‌های جنگ شناختی در رسانه را باید ساختاری چندسطحی دانست که در آن، معنا، روایت و ادراک به ابزارهای قدرت بدل می‌شوند؛ ابزاری که اگر بدون درک انتقادی و آگاهی اجتماعی مهار نشوند، می‌توانند بنیان‌های اعتماد و انسجام جمعی را دگرگون کنند.

راهبردهای جنگ شناختی با مهدویت

۱. جلوگیری از گسترش مهدویت

یکی از راهبردهای بنیادین و پایدار منکران و مخالفان مهدویت، جلوگیری از گسترش این آموزه است. این رویکرد، که ریشه در تاریخ این باور دارد، در دوران معاصر شتاب بیشتری گرفته است. ایجاد جنجال و غوغا، به عنوان یک راهبر کهن و مؤثر در مقابله با نفوذ معارف مهدوی، در دوران معاصر با ابعاد وسیع‌تر و تهدیدآمیزتر ادامه یافته است. مخالفان، با هدف انحراف افکار عمومی و خفه کردن صدای دعوتگران به عدالت و حقیقت، فضایی پر از آشفتگی و ناهنجاری پدید می‌آورند تا هیچ ندایی از سوی حق به گوش نرسد.

در عصر حاضر، رهبران کفرافزون بر جلوگیری از گسترش این باور، با ترویج گسترده امور لغو و بی‌ارزش - همچون فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی مبتذل، بازی‌های رایانه‌ای اعتیادآور و صدها ابزار رسانه‌ای مشابه - مسیر تفکر عمیق و تأمل در آموزه‌های دینی و به‌ویژه مهدویت را مسدود می‌سازند. این راهبرد، با منحرف کردن ادراک عمومی از محور حقیقت، نه فقط بسط معارف دینی را مانع می‌شود، بلکه زمینه‌ای برای حاکمیت ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌آورد، و بدین ترتیب، جوامع را از دستیابی به عدالت و کمال بازمی‌دارد.

۲. انکار آموزه مهدویت

یکی از این راهبردها انکار مطلق مهدویت است که با القاء شبهاتی همچون عدم تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناممکن بودن طول عمر طولانی، و مانند آن همراه می‌شود. مخالفان، این عقیده را به عنوان پاسخی خیالی به نابه‌سامانی‌ها و حوادث تاریک تاریخ

بشر توصیف می‌کنند یا آن را باوری وارداتی از ادیان دیگر می‌پندارند. بدیهی است که این انکار، دامنه‌ای فراتر از باور شیعی را هدف قرار می‌دهد و به انکار مفهوم نجات بخشی در ادیان ابراهیمی می‌انجامد.

۳. تحریف متون و مفاهیم دینی

در عرصه تقابل با آموزه‌های مهدویت، یکی از محوری‌ترین‌ها راهبرد دشمنان، تحریف متون و مفاهیم مذهبی است که به دگرگونی چهره معرفتی این مفهوم از درون می‌انجامد. در این چارچوب، آیات قرآنی و روایات مرتبط با ظهور، انتظار و عدالت جهانی، بیشتر به صورت گزینشی، تقطیع شده یا با نگرشی مغرضانه تفسیر می‌شوند تا معانی اصیل جای خود را به برداشت‌های انحرافی بسپارند. ترجمه‌ها و تحلیل‌های رسانه‌ای غربی، غالباً با برساختن یک «مهدویت واژگون»، تلاش می‌کنند تا تصویری اسطوره‌ای، سیاسی یا خشونت‌محور از منجی موعود ارائه دهند و بدین ترتیب، جوهره الهی و عدالت جویانه آن را مخدوش سازند.

هنگامی که رویکرد انکارآمیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، دشمنان به راهبرد تحریف روی می‌آورند. در این مرحله، باور به مهدویت را ظاهراً می‌پذیرند، اما آن را در قالب‌هایی نادرست و تحریف شده عرضه می‌کنند. در این عرصه، نقش نویسندگان و اندیشمندان مزدور - که با آشنایی نسبی به آموزه‌های دینی، نقاط ضعف ظاهری را برجسته می‌سازند - بسیار برجسته است؛ آنان با این عمل، به اهداف شوم مخالفان یاری می‌رسانند و زمینه تضعیف بنیادهای اعتقادی را فراهم می‌آورند.

۴. ایجاد تردید در اعتبار مستندات مهدویت

یکی از فعالیت‌های تخریبی عمده در دنیای غرب، که به عنوان خطی استراتژیک در برابر فرهنگ مهدویت عمل می‌کند، ایجاد تردید در اعتبار و اصالت این اندیشه است. مخالفان، عقیده مهدویت را به عنوان باوری خیالی و وهمی جلوه می‌دهند و مدعی می‌شوند که پیروان آن در عالم خواب و رؤیا سیر می‌کنند. این رویکرد، ریشه‌های روان‌شناختی عمیقی دارد و با نابودکردن ابعاد مثبت ایمان به مهدویت - همچون خوش‌بینی، امیدواری، و انتظار برای آینده‌ای روشن و درخشان - به ترویج یأس، ناامیدی، شکست و بدبینی می‌پردازد. در نتیجه، این استراتژی نه فقط باورهای دینی را

تضعیف می‌کند، بلکه انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی برای پیگیری عدالت جهانی را نیز از میان می‌برد.

۵. برانگیختن تفرقه و بی‌اعتمادی میان مسلمانان

این راهبرد براساس اصل تضعیف انسجام امت اسلامی شکل گرفته است. رسانه‌های جهت‌دار، با تمرکز بر اختلافات مذهبی، تفاوت‌های کلامی و سوء برداشت‌ها از مفاهیم مهدوی، در پی دامن زدن به شکاف میان شیعه و سنی‌اند. بازنمایی گزینشی از باورهای هر مذهب در رسانه‌ها، زمینه بی‌اعتمادی متقابل و تضعیف ظرفیت همگرایی امت اسلامی را فراهم می‌سازد.

بی‌شک بخشی از جنگ روانی دشمن، شعله‌ور ساختن اختلافات است. در سرزمین ما، آنان می‌کوشند تا بخش‌های مختلفی از جامعه را به دو قطبی‌های قومی، مذهبی - میان شیعه و سنی - جناحی و صنفی تبدیل کنند و با دامن زدن به این تفرقه‌ها، فضای نفاق و تشتت را گسترش دهند. در این مسیر، مزدوران و ایادی نفوذی دشمن نیز حضور دارند که به شیوه‌های گوناگون و پوشیده، اهداف شوم آنان را در دل این جامعه پیاده می‌کنند. این عناصر، با پخش شایعات و دامن زدن به کینه‌ها، به دنبال تخریب وحدت و انسجام ملی هستند. (جعفری نژاد، ۱۴۰۲، ص. ۵۵)

۶. ایجاد احساس ناامنی و ترس از ظهور

یکی از فنون برجسته در عملیات روانی غرب، معرفی اسلام و آموزه‌های مهدویت از طریق قالب مکتب ترور و تئوری ترس است که با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی به کار گرفته می‌شود. در برخی برنامه‌های کامپیوتری و تصاویر هدفمند و برنامه‌ریزی شده، صحنه جدال‌های ایدئولوژیک و استراتژیک گروه‌های متعارض به نمایش درآمده که در قالب رویارویی میان غرب و جریان‌های جهادی اسلامی طراحی شده‌اند. در تحلیل نشانه‌شناسی این بازی‌ها، استفاده برجسته از لفظ «مهدی»، به کارگیری شعارها و واژگان اسلامی، بهره‌گیری از متون روایی و نمایش چهره‌های متضاد مسلمانان و قهرمانان غربی، همگی به وضوح نمود یافته است و چهره‌ای تحریف شده از مفاهیم دینی در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند.

در این مرحله، مهدویت نه به عنوان الگوی نجات و عدالت، بلکه به عنوان منشأ

بحران‌های جهانی بازنمایی می‌شود. تولید فیلم‌ها، مستندها و تحلیل‌های خبری که «ظهور منجی» را به آشوب، تخریب و نابودی تعبیر می‌کنند، تلاشی برای القای هراس و اضطراب در ذهن مخاطب جهانی و مسلمان است. این تصویرسازی، کارکرد آرامش‌بخش عقیده مهدویت را به ضد خود بدل می‌سازد. (عراقی، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۰) هدف این راهبرد، تخریب پیوند روانی میان نسل جوان و باور دینی است. رسانه‌ها با ترویج ناامیدی، بی‌اعتمادی به نهادهای مذهبی و القای ناکارآمدی اندیشه دینی در حل مشکلات عصر مدرن، زمینه فرسایش عاطفی و فکری نسبت به آرمان مهدوی را فراهم می‌سازند. موسیقی، سینما و شبکه‌های اجتماعی از مهم‌ترین ابزارهای اجرای این راهبرد هستند.

۷. دامن زدن به رفتارهای افراط‌گرایانه

یکی از زیرکانه‌ترین راهبردها، حمایت پنهان از گروه‌های منحرفی است که با ادعای ارتباط با مهدویت، رفتارهای خشونت‌آمیز را توجیه می‌کنند. سپس رسانه‌های بین‌المللی با تعمیم این گروه‌ها به کل اندیشه مهدوی، تصویری افراطی و غیرعقلانی از این باور عرضه می‌کنند تا زمینه نفرت دینی و بی‌اعتمادی نسبت به آن افزایش یابد. در تصویری که رسانه‌های غربی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه له ارائه می‌دهند، حضرت را شخصیتی بی‌رحم با عقایدی افراطی معرفی می‌کنند؛ برای نمونه، در فیلم مستند «مردی که فردا را دید» بر اساس پیشگویی‌های نوستر آداموس، منجم و پیشگوی فرانسوی، آموزه مهدویت و حتی شخص منجی اسلامی را به گونه‌ای تصویر می‌کند که ره‌آوردی جز بمب، تخریب و نابودی برای بشریت نخواهد داشت و مهدی با ظهور خود بذر وحشت را در عالم می‌پراکند.

در یکی از بخش‌های «انیماتریکس»، با زوم کردن بر نقشه کره زمین، شهری بی‌آب و علف در صحرای حجاز را به تصویر می‌کشند که شیاطین رباتیک در آن گرد آمده‌اند. این شهر که مکه یا مدینه است، شهر ربات‌های شیطانی معرفی می‌شود. در بخش دیگر این پویانمایی، با به تصویر کشیدن دقیق هلال شیعوی و محل ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له، روی نقشه‌ای در سازمان ملل و کشتن خرمگسی شوم که در این مسیر حرکت می‌کند و پاک کردن پلشتی‌های وجود او، دشمنی خود را با تشیع نشان می‌دهند.

پروپاگاندای رسانه‌ای علیه آموزه مهدویت، موجب گردیده است تا سیاست‌گذاری‌های عمیقی در حوزه اثرگذاری بر افکار عمومی و دیپلماسی فرهنگی در این باره صورت گیرد. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۸)

۸. ترویج اطلاعات نادرست و تحلیل‌های مغرضانه

در این سطح، نهادهای پژوهشی ظاهراً آکادمیک یا اندیشکده‌های وابسته، مرکز تولید تحلیل‌های جعلی درباره مهدویت می‌شوند. این مراکز با انتشار کتاب، مقاله و گزارش‌های سیاستی تلاش می‌کنند شناخت تحریف‌شده و علمی‌نما از مهدویت عرضه کنند تا مشروعیت نقدهای غربی بر تفکر اسلامی تثبیت گردد. راهبرد دیگر دشمنان در برابر این باور تخریب آن است. این تخریب به‌طور عمد به دو صورت تحقق می‌یابد:

الف) القای شبهه: آنان با بیان زیرکانه برخی پرسش‌ها و شبهه‌ها، ذهن مخاطبان را دچار تشویش کرده، این باور را مخدوش می‌سازند. امروزه بخش قابل توجهی از این شبهه‌ها، از طرف مخالفان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ناجوانمردانه کسانی را در معرض هجوم قرار می‌دهد که از توانایی لازم، برای تجزیه و تحلیل مطالب برخوردار نیستند. آنان که در برابر دانشمندانی بزرگ چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی راه به جایی نبرده‌اند، انسان‌های عادی را مورد هجوم قرار می‌دهند.

البته پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) موضع مؤمنان را در برابر شبهه افکنی دشمنان، به روشنی بیان کرده‌اند. امام هشتم از پدران‌ش روایت کرده است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد! به یقین امام قائم از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست، غایب می‌شود تا آن‌جا که بیشتر مردم می‌گویند: خدا را در خاندان محمد حاجتی نیست! و دیگران در اصل ولادت او شک می‌کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود، بایستی به دین او متمسک شود و به واسطه شک خود راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد. او پیشتر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی‌ایمانان قرار داده است. (صدوق، ج ۱، ص. ۵۱)

۸. جایگزینی

یکی دیگر از راهبردهای خصمانه مخالفان، «جایگزینی» است؛ جایی که آنان، ناتوان از ریشه‌کن کردن گرایش فطری انسان‌ها به حق و حقیقت، امور باطل را در پوشش ظاهری حق عرضه می‌دارند. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾. (انفال: ۳۱) و چون آیات ما بر آنان تلاوت شود، می‌گویند: «شنیدیم؛ اگر می‌خواستیم، ما نیز همانند این را می‌گفتیم؛ این نیست مگر افسانه‌های پیشینیان».

یکی از اقدامات بنیادین دشمن، جایگزین‌سازی شخصیت‌ها و جریان‌های کاذب به جای اصیل است. تاریخ گواه آن است که بسیاری از مدعیان دروغین مهدویت، نیابت و ملاقات با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، دست پرورده و مزدوران مخالفان بوده‌اند و این تاکتیک، با هدف انحراف باورهای اصیل، به کار گرفته شده است.

این راهبرد در عصر حاضر، به صورت نظام‌مند در قالب فیلم‌ها، سریال‌ها و بازی‌های رایانه‌ای هیجان‌انگیز با محوریت مفهوم منجی - به طور مستقیم یا غیرمستقیم - به مخاطبان علاقه‌مند ارائه می‌شود، تا با جعل روایت‌های کاذب، گرایش فطری به حقیقت را منحرف سازد.

به عنوان نمونه تأسیس فرقه‌های بابیت و بهائیت را می‌توان نخستین رخدادهای دانست که به طور رسمی جهان غرب را با اندیشه مهدویت آشنا ساخت. در زمانی که دولت صفویه در ایران به شکوفایی رسید و همزمان اهداف استعماری غرب در قبال شرق به اوج خود نزدیک می‌شد، ایران شیعی، به عنوان سپری مستحکم در برابر فتوحات حاکمان سنی مذهب عثمانی برای نگهداری دروازه‌ها، نقش محوری یافت. این دوران زمینه‌ساز آغاز مطالعات ژرف و دقیق ایران‌شناسانه و شیعه‌شناسانه گردید.

موضوع مهدویت، و جلب توجه غربی‌ها به باور اسلامی - به ویژه در تشیع - درباره حضور منجی زنده‌ای که روزی ظهور خواهد کرد، به اهداف استعمارگران کهنه‌کار غربی جهت دهی کرد تا این عنصر زنده و پویا را به ابزاری برای تحریک اختلافات و دودستگی میان شیعیان تبدیل کنند. همه مطلعان و صاحب‌نظران تاریخ معاصر به خوبی آگاهند که بابیت و بهائیت، آئینی ساختگی و در آغوش سیاست‌های مکارانه استعماری‌اند که این دو جریان با لباس مذهب، به جان ملت مسلمان ایران افتادند. هدف آن‌ها، از طریق

تفسیرهای ارتجاعی و خرافی، پاشیدن بذر تفرقه در میان امت اسلامی و تضعیف هسته دینامیک و روح بالنده اسلام و تشیع بود؛ تا بدین طریق زمینه‌های سلطه استعماری را فراهم سازند.

در سایه این اهداف، جریان‌های وابسته به باییت و بهائیت شعار جدایی دین از سیاست را به عنوان مبنای آموزه‌های خود برگزیدند، امری که در تعارض آشکار با ماهیت هویت بخش و فعال مذهب تشیع و اسلام راستین بود. (ر.ک: شجاعی مهر، ۱۳۹۳، ص. ۸۶)

استعمارگران روس و انگلیس، برای تسلط بر ایران و منافع آن، با ایجاد اختلافات و فرقه‌سازی‌هایی چون باییت و بهائیت، که اصل امامت و ولایت را هدف قرار داده بود، سد اصلی مقابل اهداف استعماری و اقتصادی خود را به تزلزل کشاندند. آن‌ها در دوره قاجار سیدعلی محمد باب را علم کردند و آشکارا از این جریان‌ها حمایت نمودند. استعمار غربی با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، فرقه‌سازی را به عنوان حربه‌ای فرهنگی و اجتماعی به کار گرفت؛ زیرا به خوبی می‌دانست اعتقاد به مهدویت و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بزرگ‌ترین مانع تسلط آن‌ها بر جوامع اسلامی است. بدین سان، با سوءاستفاده از جهل و برداشت‌های ناصحیح از اندیشه مهدویت، فرقه‌های ضاله‌ای را ساخته و زمینه پذیرش فرهنگ منحط غربی را در میان مسلمانان فراهم کردند.

نمونه دیگر جنبش محمداحمد سودانی (مهدی سودانی) در آفریقا است که همزمان با بابی‌گری و بهائی‌گری، توجه غرب را به آموزه مهدویت جلب کرد. او در سال ۱۸۸۱م خود را مهدی موعود خواند و علیه استعمار انگلستان و مصر در سودان قیام کرد و پس از چند سال، خارطوم را فتح نمود.

با ادعای مهدویت و نامه‌نگاری به رهبران مذهبی و قبایل، حمایت گسترده‌ای جلب کرد و حتی گفته بود کسانی که او را به عنوان مهدی نپذیرند، کافرند. شهرت او در اروپا موجب شد دانشگاه سوربن، با حضور جیمز دار مستتر، درباره مهدویت و مدعیان مختلف آن سخنرانی و تحقیق کند. مستتر در کتاب خود به ظهور مهدی‌های متعدد در کشورهای اسلامی و نقش آن‌ها در مقاومت مقابل استعمار پرداخت. (ر.ک: موسوی، ۱۳۸۹، دفتر اول، ص. ۱۰۸)

راهکارهای مقابله با جنگ شناختی رسانه در عرصه مهدویت

تأکید می‌شود جنگ شناختی به عنوان یکی از ابزارهای نوین در عرصه تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر نگرش‌ها، جایگاه ویژه‌ای در تحولات ارتباطی و امنیتی عصر حاضر یافته است. این نوع جنگ با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و جریان‌سازی رسانه‌ای، سعی در هدایت درک، قضاوت و رفتار انسان‌ها دارد و به همین دلیل، از پیچیده‌ترین اشکال منازعه غیرنظامی به شمار می‌رود.

در چنین شرایطی، ارتقای سواد رسانه‌ای و تقویت تفکر انتقادی، از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با تهدیدات شناختی به شمار می‌آیند؛ چراکه آموزش صحیح و اطلاع‌رسانی دقیق می‌تواند از نفوذ پیام‌های گمراه‌کننده و تأثیرات روانی آن بر جامعه جلوگیری کند.

جنگ شناختی در ذات خود، جامع‌تر از سایر انواع جنگ‌هاست؛ زیرا ضمن بهره‌گیری از رویکردهای سیاسی، روانی و رسانه‌ای، مستقیماً با داده‌های کلان، ذهنیت و الگوهای رفتاری انسان‌ها سروکار دارد. بدین سان، مقابله اصولی با آن نیازمند سازوکارهای نوین، مبتنی بر درک عمیق از فرایندهای شناختی، شناخت سوگیری‌های ادراکی، و تقویت مصونیت فکری و تحلیلی افراد در برابر امواج اطلاعاتی است.

در جنگ شناختی رسانه‌ای غرب در برابر مهدویت شیعی موارد زیر تجویز می‌شود:

۱. تقویت بنیان‌های اعتقادی و دینی؛ پایه اصلی مقاومت در برابر نفوذ شناختی، ارتقای آگاهی دینی عمیق درباره مهدویت است. آموزش مبتنی بر قرآن، سنت معتبر پیامبر ﷺ و اهل بیت، و آرای علمی علمای برجسته، می‌تواند مانع تحریفات معنایی و سوء برداشت‌های رسانه‌ای گردد. طراحی برنامه‌های آموزشی برای گروه‌های سنی و اجتماعی مختلف ضروری است تا درک درست از حقیقت مهدویت در ذهن نسل جوان نهادینه شود.

۲. تقویت تفکر انتقادی و مهارت‌های استدلال؛ تربیت مخاطبی هوشمند و تحلیلی، مهم‌ترین سپر در برابر موج تبلیغات مسموم است. پرورش قدرت داوری عقلانی و سواد استدلالی در مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها باید در کانون سیاست‌گذاری فرهنگی قرار گیرد.

۳. ایجاد و تقویت رسانه‌های مستقل و متعهد؛ مقابله با تحریفات رسانه‌ای نیازمند تولید

مستمر محتوای دقیق، هنرمندانه و جذاب درباره مهدویت است. بهره‌گیری از قالب‌های متنوع مانند فیلم، مستند، پادکست، کتاب، مقاله و فضای مجازی، می‌تواند اثربخشی پیام دینی را به صورت افزایشی تضمین کند.

ضروری است رسانه‌هایی مستقل و متعهد به ارزش‌های اسلامی تأسیس یا تقویت شوند تا روایت‌های اصیل مهدوی را در برابر روایت‌های تحریف‌شده سامان دهند. این رسانه‌ها باید با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فضای سایبری حضور فعال و خلاق داشته باشند.

۴. تقویت وحدت و همبستگی امت اسلامی؛ ترویج آموزه‌های مشترک میان مذاهب اسلامی، همچون ایمان به عدالت، رهایی‌نهایی و ظهور منجی الهی، می‌تواند زمینه‌ساز وحدت و کاهش تنش‌های فرقه‌ای شود.

برگزاری نشست‌ها و همکاری‌های فکری میان اندیشمندان شیعه و سنی، راه را برای شناخت متقابل و کاهش سوءظن‌های رسانه‌ای هموار می‌کند. افزون بر آن، انجام پروژه‌های مشترک فرهنگی و آموزشی، به انسجام بیشتر امت اسلامی خواهد انجامید.

۵. توسعه دانش و پژوهش تخصصی؛ تحقیقات دقیق، مستند و میان‌رشته‌ای درباره ابعاد معرفتی، تاریخی و اجتماعی مهدویت، مهم‌ترین پشتوانه نظری مقابله با جنگ شناختی است. حمایت از مراکز پژوهشی تخصصی در این حوزه ضرورتی انکارناپذیر است.

ایجاد نظریه‌های بومی مبتنی بر منابع اسلامی و ترجمه آثار معتبر مهدوی به زبان‌های زنده دنیا، می‌تواند موازنه شناختی را در سطح جهانی به سوی اسلام تغییر دهد. حمایت مادی، معنوی و نهادی از پژوهشگران، مبلغان و صاحبان قلم، زمینه‌ساز تداوم جریان علمی فعال و مقاوم در عرصه دفاع معرفتی از مهدویت است.

۶. طراحی ساختارهای دفاعی و امنیتی شناختی؛ ایجاد مرکزهای تخصصی برای رصد عملیات شناختی، تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی تهدیدات رسانه‌ای، بخش ضروری سازوکار دفاع شناختی در سطح ملی است.

تأمین امنیت سایبری، حفاظت از پایگاه‌های داده‌های دینی و مقابله با حملات دیجیتال، مانع از نفوذ جریان‌های رسانه‌ای بیگانه در شبکه‌های محتوایی اسلامی می‌شود.

تعامل کشورهای مسلمان در حوزه رصد رسانه، تبادل تجربیات و طراحی راهبردهای مشترک، یک رویکرد همگرایانه برای مقابله با تهدیدات جهانی محسوب می‌شود. ۷. رویکرد فعالانه و خلاقانه فرهنگی؛ حرکت از موضع واکنشی به سمت کنش فعال، یکی از عناصر حیاتی مقابله با جنگ شناختی است. طراحی کمپین‌های متنوع فرهنگی و رسانه‌ای با مضمون امید، عدالت و انتظار پویا می‌تواند پیام مهدوی را در قلب جامعه زنده نگاه دارد.

هنر دینی با ظرفیت تصویر، صدا و روایت، توانمندترین ابزار در مقابله با دست‌کاری ذهنی است. ترکیب فناوری‌های نو، بازی‌های دیجیتال، فیلم و موسیقی معناگرا می‌تواند مهدویت را برای نسل نو با زبانی جهانی بازنمایی کند.

۸. ارتقای سواد رسانه‌ای؛ عبارت سواد رسانه‌ای به دانش، مهارت‌ها و توانایی‌هایی اشاره دارد که برای استفاده از رسانه‌ها و تفسیر آنها مورد نیاز است. امروزه صاحب‌نظران علوم ارتباطات و رسانه، توانایی و قدرت دسترسی تحلیل ارزیابی و انتقال اطلاعات و پیام‌های رسانه‌ای را که می‌توان در چارچوب‌های مختلف چاپی و غیرچاپی عرضه نمود سواد رسانه‌ای می‌گویند. (عراقی، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۸)

سواد رسانه‌ای، به عنوان قابلیت بنیادین در ادراک و تحلیل اطلاعات منتقل شده از مجاری رسانه‌ای، نقش محوری در توانمندسازی افراد ایفا می‌کند. ارتقای این سواد، نه تنها به تقویت مهارت‌های شناختی کمک می‌رساند، بلکه سپری مستحکم در برابر امواج اطلاعات ناهمگن فراهم می‌آورد.

آشنایی با اصول تحلیل محتوا، تشخیص دروغ‌های رسانه‌ای و شناخت روش‌های فریب‌شناختی، باید در قالب کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی عمومی گسترش یابد. ارتقای سواد رسانه‌ای ابزار دفاعی مؤمنی در برابر موج اطلاعات ساختگی است. (ر.ک: براری، ۱۳۹۸، ص. ۲۲)

نهادهای علمی و فرهنگی باید با برگزاری نشست‌ها و دوره‌های آموزشی، مردم را نسبت به ماهیت، اهداف و پیامدهای جنگ شناختی آگاه سازند. این فعالیت‌ها می‌تواند حساسیت عمومی را نسبت به تحریف مفاهیم مهدوی افزایش دهد.

در این توانمندسازی نکاتی مدنظر قرار می‌گیرند مانند:

تمایز اطلاعات معتبر از نادرست: با تعمیق آگاهی نسبت به مکانیسم‌های عملکرد

رسانه‌ها و الگوهای انتشار محتوا، افراد قادر خواهند بود اخبار و داده‌ها را با دقت ارزیابی نمایند و بدین ترتیب، از پیامدهای زیان بار اطلاعات کاذب و گمراه کننده مصون بمانند. **تحلیل انتقادی:** آموزش مهارت‌های تحلیلی پیشرفته، به افراد این امکان را می‌بخشد تا محتوای رسانه‌ای را با نگاهی نقادانه واکاوی کنند و تأثیر آن بر شکل‌گیری انگاره‌های جمعی و افکار عمومی را به طور عمیق درک نمایند.

تشخیص نیات پنهان: با کسب دانش نسبت به تکنیک‌های تبلیغاتی و راهبردهای جنگ شناختی، افراد می‌توانند از تلاش‌های نظام‌مند برای دستکاری عواطف و باورهایشان آگاه شوند و از افتادن در تله‌های ایدئولوژیک و روانی اجتناب ورزند. کوتاه سخن این‌که مقابله با جنگ شناختی نیازمند یک رویکرد جامع و چند بُعدی است که تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی را در بر بگیرد. همچنین، این مقابله نیازمند مشارکت فعال تمامی اقشار جامعه و همکاری نهادهای مختلف است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با کاوشی نظام‌مند درباره جنگ شناختی رسانه‌ای غرب علیه آموزه والای مهدویت، پرده از معماری چندلایه و هوشمندانه‌ای از راهبردهای ویرانگر رسانه‌ای غرب برمی‌دارد: از تحریف هدفمند متون وحیانی و بحران‌آفرینی هویتی تا تفرقه‌افکنی میان امت و تزریق آرام و مداوم تردیدهای وجودی و ارزشی در جان نسل جوان. این تهاجم پنهان، سرمایه ایمانی و انسجام تمدنی اسلام را نشانه رفته و باور مهدویت - چراغ امیدبخش انتظار عدالت و معنویت در دل تاریکی بحران معاصر است - را به چالشی جدی برای سلطه‌گران جهانی بدل ساخته است.

تاب‌آوری استوار در این میدان نبرد ادراکی، در گرو رویکردی فراگیر، بصیرت‌محور و خلاق است که در پیوند ناگسستنی تعمیق معرفت مهدوی بر پایه قرآن کریم و سنت نورانی اهل بیت علیهم‌السلام، ارتقای سواد رسانه‌ای و توان تحلیل انتقادی، تقویت رسانه‌های مستقل اسلامی، تحکیم وحدت هویتی امت، گسترش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، رصد هوشمندانه عملیات شناختی دشمن، و بهره‌مندی هنرمندانه از فناوری‌ها و زبان‌های نوین زیبایی‌شناختی استوار می‌گردد؛ سپری نفوذناپذیر که مرز حقیقت و تحریف را برای

همیشه روشن می‌سازد.

در نهایت، پاسداشت مهدویت جز با همگرایی ژرف بصیرت دینی، عقلانیت جمعی و ابتکار فرهنگی به بار نمی‌نشیند؛ جامعه‌ای که با تکیه بر ایمان و فرهنگ اصیل خویش، آینده تمدنی‌اش را از تیغ استکبار مصون می‌دارد و با گام‌هایی استوار، به سوی طلوع عدالت جهانی پیش می‌تازد.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- احمدی کچایی، مجید. (۱۳۹۴). *تمایز مبانی تمدن مهدوی با تمدن غرب و عوامل بسترزای آن، پژوهش‌های مهدوی*، شماره ۱۲. (۱۰۷-۱۲۴).

- اقدامی تطفی، داریوش. (۱۴۰۳). *تدوین راهبردهای مقابله با جنگ شناختی مردم محور، راهبرد دفاعی*، شماره ۸۵. (۸۱-۱۰۴).

- براری، محمد. (۱۳۹۸). *راهکارهای مقابله با جریان‌های انحرافی مهدویت، مطالعات مهدوی*، شماره ۴۴. (۲۲-۴۱).

- پوررشیدی، هاتف؛ علی پور، جواد. (۱۴۰۴). *جنگ شناختی؛ عرصه جدید در ارتباطات سیاسی، علوم خبری*، شماره ۵۳. (۷۲-۸۵).

- پورسعید، فرزاد. (۱۴۰۱). *تحلیل؛ جنگ شناختی و اصول راهنمای آن در عصر اطلاعات، دیده‌بان امنیت ملی*، شماره ۱۲۹. (۹۱-۱۰۴).

- تهامی، مجتبی (۱۳۷۶)، *امنیت ملی دکترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاعی ملی.

- جعفری نژاد، مسعود؛ اسماعیلی، بشیر. (۱۴۰۲). *جعفری، حمید، جنگ شناختی*

- از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (مفاهیم، تعاریف و مصادیق)،
امنیت پژوهی. شماره ۸۲ (۵۳-۸۰).
- دلاورپور اقدم، مصطفی. (۱۴۰۳). ابعاد و روش های جنگ ترکیبی لابی های
اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر فعالیت لابی ایپک،
سیاست پژوهی/ایرانی، شماره ۴۱. (۳۴-۱۸).
- ربیع نتاج، سید علی اکبر. (۱۴۰۲). بررسی نقش استعمار در ایجاد فِرَق انحرافی
مهدویت و چالش های مرتبط، پژوهش های مهدوی، شماره ۴۸. (۹۷-۱۲۳).
- رحیمی، صالح. (۱۴۰۳). جنگ شناختی و تهدیدهای ترکیبی در چشم انداز آینده:
مفاهیم، ابزارها و راهکارهای پیشگیرانه، آینده پژوهی دفاعی، سال ۹، شماره ۳۵.
(۶۱-۹۲).
- رهدار، احمد. (۱۳۹۰). غرب شناسی علمای شیعه در تجربه تاریخی ایران معاصر، قم:
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سلیمیان، خدامراد. (۱۳۸۶). درسنامه مهدویت، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی
حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی
فرجه الشریف.
- شاملو، رضا. (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت بندی کارکردهای سیاسی فضای
مجازی (شبکه های اجتماعی) در جنگ شناختی، راهبرد دفاعی، شماره ۸۵.
(۱۰۵-۱۲۹).
- شجاعی مهر، رضا. (۱۳۹۳). غرب و مهدویت، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی
موعود عجل الله تعالی
فرجه الشریف.
- عراقی، عبدالله؛ بیدگلی، محمد؛ رجبی ده برزوئی، اصغر. (۱۴۰۱). واکاوی اهداف
جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه های

قرآن، مطالعات دفاع مقدس، شماره ۳۲. (۱۴۳-۱۶۲).

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية.

- محمدی منفرد، حسن. (۱۴۰۳). تبیین نقش اخبار جعلی در جنگ شناختی؛ راهکارهای کشف و مقابله، مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، سال دوم، شماره ۷. (۱۶۴-۱۳۲).

- موسوی، سیدرضی. (۱۳۸۹). شرق‌شناسی و مهدویت، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.

- نعمانی، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب. (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران: نشر صدوق.

- نیکونهاد، ایوب. (۱۴۰۳). طراحی و تصویرسازی مطلوب از «جهاد تبیین» در تقابل با پدیده جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب، آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، شماره ۱۶. (۱۱-۳۶).